



mahnaz ghazanfari

alla finestra

گونار میردال

ترجمه مجید روشنگر

# عینیت در پژوهشهای اجتماعی (۳) سنجش عقاید

رساله جامع علوم انسانی

پیش از رها کردن موضوع طرق تالیرازش گذاری و اعتقادات، و چگونگی تبدیل آنها به اعتقادات فرصت طلب و مصلحت بین، به شکلی که بتوان از آنها بخاطر معقول جلوه دادن امور استفاده کرد، باید بطور خلاصه به نکته مهمی از زمینه پژوهشهای اجتماعی اشاره کنم. (۱۲)

ما در برابر مکتب پیشین روانشناسی عقل گرایی Rationalist Psychology با این دلیل واکنش نشان دادیم که از مدتها پیش، این حقیقت مارا شگفت زده ساخت که مردم نه معقول فکر می کنند و نه معقول عمل می کنند. در نتیجه ما

این سنت را از خود باقی گذاشتیم که تقسیم عقیده مردم به دو نیم، که نیمی با جنبه های ادراکی (شناختن) فراگرد های ذهنی مردم سروکار دارد و نیم دیگر با جنبه های هیجانی، درست نیست. پرسشنامه های مربوط به سنجش عقاید عموماً پرسش هایی را در بردارند که هم مربوط به اعتقادات مردم است، هم تقریباً مربوط به ارزش گذاری های خالص و محض آنها، و هم مربوط به عقایدی که اعتقادات و ارزش گذاری ها در آنها بهم آمیخته اند. معمولاً تمام این انواع سه گانه بدون هیچ تمایزی باهم ترکیب می شوند. لذا تشخیص روشن تر این وجه سه گانه اهمیت فراوان دارد، زیرا بررسی و مطالعه اعتقادات مردم نه تنها روشن می کند که آنها چه چیزهایی را می دانند و چه چیزهایی را نمی دانند، بلکه این بررسی شالوده Structure ارزش گذاری آنها را نیز مشخص خواهد ساخت.

و ناپوسته و غالباً پنهان ارزش گذاری هایی که در ذهن مردم وجود دارد، بپردازیم. جهت و میزان انحراف اعتقادات مردم از واقعیت عینی و کمال معرفت، به ما می گوید که چگونه مردم می کوشند از تلاقی و برخورد ارزش گذاری هایی که در سطح نازل تری قرار دارند (و جزئی از رفتار روزانه آنهاست) با ارزش گذاری های عام تری که جامعه ما اخلاقاً آنها را والا تر می شناسد، احتراز کنند. از این نقطه نظر است که سنجش کمی جهل و معرفت مردم، نسبت به مباحثی که درباره آنها اتفاق نظر وجود ندارد، اهمیت

بدا  
پرسش  
عقاید  
حد  
صریح  
هایی  
دهند  
از وا  
تهیه  
ard  
معرف  
ما  
در بار  
به آ  
آگاه  
مبن  
محک  
شما  
در بار  
عقاید  
هرگز  
دانش  
چهل  
دارد  
گذارد  
که  
بیا  
زمین  
می  
دیگر  
خو  
باید  
س  
به  
هم  
et  
ش  
گذ  
مس  
بگ  
کر  
ول  
ع  
ا  
م  
ن  
ی  
ه  
م  
س  
ا

پیدا می‌تند. بدین منظور برخی از پرستش‌هایی که در بررسی علمی عقاید مردم مطرح می‌شود باید تا حد ممکن از ارزش گذاری های سریع خالی باشد. چنین پرستش‌هایی فقط باید تصور و مفهوم پاسخ دهنده را نسبت به بخش مشخصی از واقعیت مورد سؤال قرار دهد. تهیه हजारهای Norm همسان Standard و روشی که بتواند معرفت «عینی» لازم را در اختیار ما بگذارد، تقریباً آسان است. درباره بسیاری از مسائلی که نسبت به آنها جاهل یا مردود هستیم، آگاهی از محدودیت هایمان خود مبین معرفت حقیقی ماست. برای محک زدن اعتقادات به منظور شناخت «کمال» آنها - و نیز دریافت نقایصشان - پیدایش نوعی مقیاس های تدریجی ضروری است.

فرض باینستکه ما تقریباً هرگز، بطور اتفاقی، با فقدان دانش و معرفت روبرو نمی‌شویم. چهل، مانند معرفت، جهت و هدف دارد. سنگینی بار تضاد ارزش-گذاری های هیجانی باعث می‌شود که به معقول جلوه دادن امور رو بیابیم و این امر ما را در برخی زمینه‌ها در تاریکی و جهل پاتی می‌گذارد و در برخی زمینه‌های دیگر انگیزه دانش‌طلبی و معرفت - خواهی‌مان را فراهم می‌آورد و عموماً باعث می‌شود که از واقعیت‌تصویراتی بسازیم که قصد آن تحریف حقایق به منظورهای خاص و مشخص است.

اگر درجه جهل و معرفت، و هم‌چنین موقع و خصوصیت منجز Concret جهل و معرفت به‌این شکل تحلیل شوند، می‌توانیم ارزش گذاری‌ها و تضادشان را بطور غیر مستقیم، اما بصورت کمی، اندازه بگیریم - به‌همان شکلی که می‌توانیم گرمای ستارگان دور دست را از راه مشاهده طیف آنها معلوم کنیم. محتوای چنین پژوهشی بر پایه این فرض قرار دارد که جهل و معرفت عموماً اموری ساده و اتفاقی نیستند، بلکه اموری هستند که با فرصت طلبی و مصلحت‌بینی همراهند. اگر برنامه پژوهشی عمدای با این هدف پیاده شود، سنجش عقاید، بیش از آنچه اکنون از نقش روزنامه‌نگاران آنها بر می‌آید، ارزش پیدا می‌کند.

اما، البته عمل ارزش‌گذاری

را تا حد ممکن باید بصورت مستقیم مورد مطالعه قرار داد. بدین منظور، در امر سنجش عقاید، می‌بایست پرستش‌های دیگری، مربوط به عقایدی که در آنها هیچگونه اشاره‌ای نسبت به واقعیت‌های بارز و مورد اعتقاد مردم نشده است، نیز انتخاب گردد. ارزش‌گذاری پدیده پیچیده و معمولاً متضادی است. توجه فرد، در قلمرو ارزش‌گذاری‌های او، بسا فرصت‌طلبی و مصلحت‌بینی همراه است و هنگامیکه در حالت امتحان و آزمایش ارزش‌گذاری‌های خود را انتخاب می‌کند و آنها را ارائه می‌دهد، انتخاب و ارائه او در چنین حالتی با انتخاب و ارائه او در زندگی واقعی تفاوت دارد. بنا بر این، تحلیل غیرمستقیم ارزش‌گذاری‌ها، از راه مطالعه اعتقاداتی که از حقیقت و معرفت کامل جدا افتاده‌اند، احتمالاً نتایج عمیق‌تری بیار می‌آورد. نتایجی که از تحلیل مستقیم ساخته نیست. معمولاً انگیزه فرد اینست که ارزش‌گذاری‌هایش را طوری جور کند که بتواند آنها را بصورت مرتب و قابل قبولی عرضه کند. فرض با اعتقاداتی که درباره واقعیت‌های اجتماعی دارد - اعتقاداتی که متعصبان گنجه‌دار نظم معقول اخلاقیات و رفتار او می‌باشند - خودش را بازگو می‌کند.

هنگامی که ارزش‌گذاری را با هر یک از این دو پوشش با مخلوطی از هر دو روش مطالعه می‌کنیم، یک تفاوت مهم دیگر را هم باید در نظر بگیریم: تفاوتی که بین عقیده «خصوصی» یا «شخصی» فرد و عقیده «عمومی» یا «معیاری» او درباره یک موضوع معین وجود ندارد. این دو نوع عقیده لزوماً موافق هم‌دیگر نیستند، و در حقیقت، به ندرت موافق هم‌دیگرند. مطالعه این افتراق مشخص‌کننده دوگانگی (و معمولاً تضادی) است که در ارزش‌گذاری امور کلی در سطوح گوناگون وجود دارد.

فی‌المثل، در خصوص مساله سیاهان، بین ارزش‌گذاری مردم که جامعه چگونه باید باشد، و ارزش‌گذاری ضمنی و ناآشکار آنان که جزیی از رفتار روزانه‌شان است، تضاد آشکاری وجود دارد. درباره جلوگیری از زاد و ولد -

دست کم تا این اواخر که عقیده مردم آشکارا ابراز نشده بود - به آسانی امکان داشت با آمارنابیت کرد که شمار بزرگی از کسانی که در محافل عمومی جلوگیری از زاد و ولد را محکوم و از توانینی که اینکار را منع می‌کرد جاتپداری می‌کردند، خود، از زاد و ولد در خانواده‌هایشان جلوگیری می‌کردند.

### وابستگی ارزش‌گذاری‌ها به اعتقادات

تا اینجای بحث ما از روشهایی بحث کرده‌ایم که وابسته بودن اعتقادات مردم را به نیازی که برای معقول جلوه‌دادن ارزش‌گذاری‌های خود دچار آند، نشان داده است. مخصوصاً از نیازی بحث کرده‌ایم که مردم برای پنهان کردن تضاد ارزش‌گذاری‌های خود به آن رو می‌آورند. در تمدن عقل‌گرای ما مردم تمایل دارند خود را طوری جلوه دهند که گویی همیشه عقاید پیوسته و یکجوری داشته‌اند و می‌خواهند برای ابراز عقایدشان دلیل هم داشته باشند. از اینرو، ارزش‌گذاری‌های خود را در نقاب اعتقاد می‌پوشانند و آنها را تحریف می‌کنند. علاوه عقاید، از نفوذ دیگری هم برخوردار است و آنرا بر ارزش‌گذاری‌ها اعمال می‌کند، مخصوصاً وقتی که عقاید دچار تغییر شده باشند.

مردم اکثراً، بطور ذهنی Subjectively صادق و صادقانه عقاید خود را بیان می‌کنند و عقاید پیوسته و یکجور است. اگر تمام جامعه به پدیشی رو نیاورد، فردی که آشکارا بدبین باشد، نادرند. اگر اعتقادات غلط تصحیح شوند، این عمل مردم را وادار خواهد کرد تا ارزش‌گذاری‌های خود را تا به آن اندازه تغییر دهند که بتوانند آنها را، بعنوان عقاید پیوسته و یکجوری که در حال حاضر به آنها اعتقاد دارند، هم به خود و هم به دیگران عرضه کنند. چنین عقاید پیوسته و یکجوری، در حالت اخیر، لامحاله حاوی اعتقادات درستی است. معمولاً تصحیح و تطبیق عقاید، به شکلی که در بالا آمد، ارزش‌گذاری‌های نازل را ضعیف و ارزش‌گذاری‌های والا را یک نواخت‌تر می‌کند.

بدین علت، انحراف عمده

در زمینه دوك واقعیت، در اغلب اوقات، هم نسبت به اعتقادات و هم نسبت به ارزش‌گذاری‌ها، به یک نوع تطهیر دو جانبه روشنفکرانه و اخلاقی تبدیل می‌شود. ما شروع چنین تطهیری را در امریکا، به هنگامیکه مساله فقر با شدت در آخرین سال ریاست جمهوری جان کندی مطرح گردیده بود، تجربه کردیم. نتیجه آن هم اعلان هیجان-اتکیو «جنگ بلاشرط بر علیه فقر» بود که جانشین وی جانسون آنرا اعلام کرد.

در زمینه مساله سیاهان، تصحیح برخی از اعتقادات سخیف مردم پسندی که درباره سیاهان رایج است - که قبلاً اشاره کردم به صورت نظریات مردم پسند پیچیده و قالبی بروی هم انباشته شده - باید متدوجاً و بطور قابل درکی، عقاید تعصب آمیزی را که باعث پیدایش ارزش‌گذاری‌ها و تضاد ارزش‌گذاری‌هاست، تغییر دهد. هنگامیکه شخص متعصب می‌تواند به برخی از اعتقادات سخیف خود در باره سیاهان پایبند بماند، فقط به این قیمت که بی‌فرهنگ بودن خود را به دیگران نشان بدهد، باید از نظر چنین شخصی پایبند ماندن به چنین اعتقادات تعصب آمیزی امری مشکل جلوه کند، اعتقاداتی که شامل برخی از ارزش‌گذاری‌های نازل او نیز هست.

اگر اعتقادات نادرست و غلط منظوری را برآورند و نیازی را ارضاکندند، نباید از مقاومتی که در برابر تصحیح آن اعتقادات ظاهر می‌شود در شکست شویم. مردم به آسانی می‌توانند از قبول تصحیح اعتقادات خود سر باز زنند و می‌توانند، دست کم برای مدتی، لجوجانه به اعتقادات غلطی که غلط بودنشان در برابر شواهد موجود مسجل است، پای بند بمانند. یا اینکه می‌توانند نظریات مردم - پسند و قالبی شان را طوری انطباق بخشند که دیگر برای معقول جلوه دادن ارزش‌گذاری‌های خود به حمایت این یا آن اعتقاد غلط احتیاجی نداشته باشند، اعتقادات غلطی که در چنین حالتی می‌توان از آنها صرف نظر کرد. در نهایت امر تاثیر این کار اینست که ارزش‌گذاری‌های تعصب آمیز، دست کم در برخی بقیه در صفحه ۸۱

# برج (بقیه)

ولی تسلیم نمی‌شود . هنوز دارد با بندهایش درمیرود ! ما بسا علاقه از خود می‌پرسیم که اوتانکی می‌تواند ادامه دهد - رگ های پیشانیش نودیکند پاره شوند - خیس عرق شده است - قلبش بشدت می‌کوبد -

( صدای یکی دو حمله شمشیر ، بعد صدای شیپور و هورا . )  
کارگردان ( مضطرب ، جلو میاید ) : خانمها ، آقایان !  
شیپور : خانمها ، آقایان !  
جادوگر : ( از پشت صحنه وزیرلب ) : بی‌نظیر است ، هیجان‌انگیز است .

کارگردان : پس از پیروزی شمشیرباز برخوردش ، جادوگر ( پشت صحنه ) : او اسیر نیروهائی بود که از قدرتش هیچ اطلاعی نداشت ....

کارگردان : در خلال مدتی که بی‌صبرانه منتظر پایان کارفرار کار... ( ناگهان ، موسیقی به‌گردش چرخ و فلک ، و آهنگهایی که بسا آلات برنجی می‌نوازند ، و آواز ، و تانوس ، و صدای تلق‌للق ، بوق اتومبیل ، صدای موتور ، شیهه میشود . )

مدیره ( باجیخ ) : در - در دارد باز می‌شود !  
جادوگر : در - پابلو : دنبای بیرون ....  
کارگردان : چه کسی دورا باز کرد ؟

صدا ( از میان فرغای بیرون ) : پابلو ، تو آزاد هستی !  
مدیره : کارلو ! کارلو فرار میکند ! کارلو !  
پابلو : کارلو آزاد شده است !

کارگردان : کارلو ! کارلو !  
مدیره : کارلو فرار کرد بیرون !  
کارگردان : چرا جلویش را نمی‌گیری ؟  
پابلو : همیشه یکی فرار میکند -

جادوگر : یکی همیشه باز می‌گردد -  
صدا ( با انفکاسی که از میان سروصدا های مختلف بیرون میاید ) : پابلو ، تو آزاد هستی !  
( در محکم بهم می‌خورد و

بسته میشود . سکوت . سپس مجددا طبل‌ها شروع بناواختن می‌کنند . )

کارگردان ( خسته ) : خانمها و آقایان !  
( شیپور آهنگ یکتواختی را می‌نوازد . )

جادوگر ( به گزارش خود ادامه میدهد ) : دارد عضلات خود را برای آخرین تلاش خود آماده میکند - هم‌اکنون قطره های خون او دارند -

کارگردان ( از نفس افتاده است ) : حالا ما هنرمند بعدی خود را معرفی می‌کنیم -  
( شیپور يك نت‌کش‌دار را می‌زند )

جادوگر ( همراه با نوازش شیپور ) : - ولی بنظر می‌رسد فهمیده باشد که تلاش او بیهوده است .

کارگردان ( کلمات بسختی از دهانش بیرون میاید ) : وام -

کننده شیر در بهترین نمایش خود! ( شیپور بناواختن نت‌کش‌دار ادامه میدهد ) جادوگر چیزی را زمزمه می‌کند که تشخیص آن مشکل است . شیپور آهنگی را می‌نوازد که شبیه اعلام يك آشفتنکی است ولی بعد صدایش برای چند لحظه ای قطع میشود و دوباره ادامه می‌یابد . آنگاه صدای رام‌کننده شیر که می‌گوید « بیر ، راه بیفت بعد بینم . روی پا پایست ! برایشان عفرنمائی کن » شنیده میشود . بعد صدای شلاق ، سپس صدای همهمه ، بعد صدای فریاد تماشاچیان که تیر را بنمایش تشویق می‌کنند .

سپس سکوت ، و آنگاه صدای کف زدن ها و هورا کشیدن های پابلو ( کاملا نزدیک ، زوعمی - کنان ) : اسکله - ساحل - دریا - من بیرون آمده‌ام - من درفضای باز هستم - من دارم بربرج پیروز میشوم - من دارم از آن پیشی می‌گیرم ....

جادوگر ( صدایش از لابلای سروصدا و هیاهو بزحمت بیرون میاید . حالا دیگر بریده بریده ، کورمال و نامطمئن حرف می‌زند ) : برخلاف انتظاری که ما داشتیم ، دارد روی پای خود میایستد . این باید از آخرین پرتوهای حیات در او باشد - تا يك دقیقه دیگر از پا درخواهد آمد - نه ، عجیب است . باور نکردنی است ....

جادوگر ( صدایش از لابلای سروصدا و هیاهو بزحمت بیرون میاید . حالا دیگر بریده بریده ، کورمال و نامطمئن حرف می‌زند ) : برخلاف انتظاری که ما داشتیم ، دارد روی پای خود میایستد . این باید از آخرین پرتوهای حیات در او باشد - تا يك دقیقه دیگر از پا درخواهد آمد - نه ، عجیب است . باور نکردنی است ....

( صدایش کم‌کم درهیاهویی که بالا گرفته است گم میشود . صدای ضربه‌های شلاق . )

پابلو : شلاق بمن نمی‌رسد در اینجا دیگر هیچ چیز نمی‌تواند بمن برسد - همه چیز تمام شده است - من آزاد هستم ....

جادوگر ( درآخرین تقلاي خود ) : طناب دور سینه‌اش دارد شل میشود . بازوهایش دارد از قید بند آزاد میشود - وحالا .... ( هیاهو اوج می‌گیرد وهمهمه عجیبی شنیده میشود ، و بعد صدای تیک تاک ساعت ، و سپس صدای پرطین ضربه‌های طبل . )

کارگردان ( با صدائی که گویی از دهان يك فریق بیرون میاید ) : سنت برج ....

گوتوله ( با صدای يك فریق ) : سنت - سن - قنت ....

مدیره ( با صدای فریق ) : پابلو - کارلو - نلی ....

جادوگر ( صدای فریق ) :

## سنگش عقاید (بقیه)

زمانه ، احتمالاً فرو می‌ریزند . تاکنون هیچ پژوهش جامع و منطقی که در عین حال نتایج آن روشن باشد انجام نگرفته که نشان دهد چگونه تصحیح و تصفیه اعتقادات نامرست - از طریق تعلیم و تربیت و اطلاعات علمی می‌تواند عقاید و ارزش‌گذاری‌های اساسی و رفتار ناشی از آنها را زیر نفوذ قرار دهد . تا قبل از ظهور بر عقاید مردم درباره جنگ و نظام ممکن است موضوع جالبی برای تحقیق باشد . پژوهش درباره چنین تغییراتی باید عامل زمان را از نظر دور ندارد ، زیرا غالباً در طول يك زمان طولانی است که تاثیر امری بصورت واقعی ظاهر می‌گردد .

توجه به اهمیت سازمانهای رسمی و غیر رسمی مختلف نیز در هر جامعه‌ای حائز اهمیت است . کار برخی از این سازمان ها تعلیم و تربیت مردم بخاطر قبول اعتقادات صحیحتر و ایجاد شرایطی است که از رهگذر آنها تعصبات مردم کاهش یابد . معهدا ، سازمانهای دیگر ، مخصوصاً در سطح محلی در مقابل

حالا دارد بلند میشود ... پابلو : برج - برج کجاست ؟ ( هیاهو یکبار دیگر اوج می‌گیرد و بعد سکوت میشود . ) صدا ( شمرده ، عادی و بسا سردی ) : طناب مانند پند ناف از او آویزان است .... نمایشنامه تمام میشود

(۱) قاعدتا باید انفکاس صدا بتوسط شیپور ازجائی در وسط جمله شروع شود . در متن انگلیسی نمایشنامه بعطت ویژگی زبان انگلیسی تاکید بروی بعضی کلمات و صدای انفکاس شیپور همزمان وقوع می‌یابد .

چون در زبان فارسی رعایت این دونگه تقریباً غیرممکن بود ، لذا بعضی اوقات تمام جمله آمده است . مترجم .

(۲) 'Shadowfencer' یعنی شمشیر بازی که باخود شمشیربازی می‌کند . مترجم .

تغییر مقاومت نشان میدهند و این مقاومت را با مطمئن کردن افراد که در چسبیدن و پای بند بودن به عقاید کهنه و تعصب آمیز و رفتارشان تنها نیستند و دیگران را پشت سر خود دارند ، فراهم می‌بینند .

[ادامه دارد]  
لطفا اشتباهات چاپی زیر را که در بخش « ارزش گذاری ، اعتقاد و عقیده » ( شماره ۸۹ نکتین ) پیدا شده است ، تصحیح نمایید :  
- در صفحه ۲۱ ، ستون اول ، سطر چهارم « اما نه بدان زحمت » باید بشود « اما نه بدون زحمت » .  
- در همان صفحه ستون دوم ، سطر چهل و یکم « انبساط های ساده‌ای » باید بشود « استنباط های ساده‌ای » .  
- در صفحه ۳۳ ، ستون دوم ، قسمت پانویس‌ها ، جمله « در علوم قبولیت یافته است » باید بشود « در علوم اجتماعی مقبولیت یافته است » .  
- چند اشتباه دیگر - از جمله ضبط لاتین کلمات و « افتاده است » بجای « افتاده‌اند » و « معرفت » بجای « معرفتی » و حذف « که » یا « را » و غیره را خوانندگان خود حتما در یافته‌اند .